



صحیفه سجّادیه: انجیل اهل بیت و زبور آل محمد

علامه طهرانی بیان می‌کند: قرائت و تلاوت و ممارست و مزاولت بر ادعیه صحیفه سجّادیه در میان علماء امری معلوم بوده به طوری که ملازم بودن با صحیفه را همانند قرآن عظیم، و حفظ ادعیه آنرا همانند حفظ سور و آیات کتاب الهی از فرائض و واجبات خود می‌شمرده‌اند.

علامه طهرانی بیان می‌کند: قرائت و تلاوت و ممارست و مزاولت بر ادعیه صحیفه سجّادیه در میان علماء امری معلوم بوده به طوری که ملازم بودن با صحیفه را همانند قرآن عظیم، و حفظ ادعیه آنرا همانند حفظ سور و آیات کتاب الهی از فرائض و واجبات خود می‌شمرده‌اند.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: مرحوم علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی در مجلد پانزدهم از کتاب شریف امام شناسی بحث مستوفایی را در مورد صحیفه سجّادیه بیان می‌کنند که بخشی از آن تقدیم خوانندگان می‌شود. ایشان در آن مقال می‌نویسد: باری چون اینک سخن ما در پیرامون کتاب عظیم صحیفه الهیه کامله سجّادیه است که از انشاء و املاء امام همام حضرت سیدالعبادین و زین السّاجدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب- علیهم أفضلا لصلوة و أتمّاً لتحيّة والإكرام- است، این حقیر فقیر در بدو مطلب هیچ حدّ و رسم و تعریفی را که تا به حال از زمان خود آنحضرت سروده‌اند و سر داده‌اند و علماء و ادباء و شعراء و مورّخین و مفسّرین و حکمای عالی‌مقدار و عرفاء ذوی العزّة و الاعتبار گفته‌اند و می‌گویند، بهتر و ارزشمندتر از همین چند فقره دعائی که آنحضرت در روز عرفه به درگاه حضرت ذو الجلال از روی ابتهال انشاء نموده‌اند ندیدم که بیاورم...

ایشان پس از بیان فقراتی از دعای چهل و هفتم صحیفه کامله سجّادیه، اشاره به مضامین بلند آن نموده بیان می‌کند: [در این دعا] ملاحظه می‌شود که آنحضرت چگونه از حقیقت امامت و خلافت پرده برداشته و موقعیت آن را و وظیفه امت را نسبت به آن و لزوم امام زمان را صریحاً بیان نموده‌اند! و ما می‌توانیم تمام مضامین ادعیه و زیاراتی را که ائمه ذکر نموده‌اند و أبواب توحید و ولایت را که مفصلاً در اخبار آورده شده است از همین چند فقره کوتاه و مختصر استنتاج و استخراج و استنباط نمائیم...

اهمیت صحیفه کامله سجّادیه

علامه طهرانی با اشاره به دعای صحیفه سجّادیه می‌افزاید: این است نمونه‌ای از صحیفه کامله سجّادیه که اولوا الالباب را غرق تحیر نموده و زیرکان عالم را به تفکر واداشته و حکیمان اندیشمندان را به دنبال خود کشیده، و عالمان ذی درایت را به قبول واداشته، و عارفان روشن ضمیر را به خضوع و خشوع در برابر این مکتب به زانو درآورده است.

تا جائی که می‌بینیم: آن مرد جلیل و حکیم و متألّه و فقیه خبیر و شاعر مُقلّق و ادیب قدرتمند و جامع جمیع کمالات حسنه: آیت ربّانی مرحوم سید علیخان کبیر مدنی شیرازی- تغمّده الله برضوانه- چنان شرح عظیمی بر آن می‌نگارد که نیاز ارباب فضل و دانش را بدان صحیفه مبرهن می‌دارد و بدون آن شرح گوئی حقّ صحیفه ادا نشده و به عالم ادب و عرفان بروزی نداشته است. و یا محققینی همچون ملا محمد محسن فیض کاشانی بر آن تعلیقه دارد، و شیخ بهاء الدین عاملی و سید محمد باقر داماد معروف به میرداماد شروح مُتّع و مفیدی بر آن نگاشته‌اند غیر از شروحاتی که اخیراً افرادی همچون آیت الله مدرّسی چهاردهی، و تعلیقه‌ای به نام آیت الله میرزا ابو الحسن شعرانی بر آن نوشته‌اند.

سخن طنطاوی جوهری درباره صحیفه

ایشان در ادامه چنین حکایت می‌کند: آیت الله ابو المعالی سید شهاب الدین مرعشی نجفی- رضوان الله علیه- می‌گوید: من نسخه‌ای از صحیفه شریفه را در سنه 1353 برای مطالعه علامه معاصر شیخ جوهری طنطاوی صاحب تفسیر معروف مفتی اسکندریّه فرستادم. از قاهره خبروصول صحیفه را برای من نوشت و در برابر این هدیه گرانقدر از من سپاسگزاری نمود، و در تمجید و تحمید از این نسخه سخن بسیار گفت تا آنکه گفت: وَ مِنَ الشَّيْءِ أَتَا إِلَى الْآنَ لَمْ تَقَفْ عَلَى هَذَا الْأَثَرِ الْقِيمِ الْخَالِدِ مِنْ مَوَارِيثِ الثُّبُوتِ وَ أَهْلِ الْبَيْتِ. وَ إِيّ كَلِمَا تَأَمَّلْتُمُهَا رَأَيْتُمُهَا فَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِ وَ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ- الی آخر ما قال.

&171#و از نگون بختی و محرومیت ماست که ما تا الآن بر این اثر استوار جاویدان، از مواریت نبوت و اهل بیت واقف نگشته‌ایم! و حقاً و حقیقه من هر قدر در آن تأمل و تفکر نموده‌ام آن را ما فوق کلام مخلوق و مادون کلام خالق یافته‌ام! تا آخرگفتارش.

و بقیه گفتار علامه جوهری طنطاوی این است که: از ایشان سؤال می‌کند که آیا تاکنون کسی از علماء اسلام شرحی بر آن نوشته

است؟! و آیه الله مرعشی در پاسخ نامه او شارحینی را که می‌دانستند نام می‌برند و کتاب #171؛ ریاض السالکین؛ تألیف سید علیخان را به ایشان تقدیم می‌دارند، و معظم له در جواب می‌نویسد که: من مصمم و آماده‌ام که بر این صحیفه گرامی شرحی بنویسم.

گفتار سید علیخان مدنی کبیر شارح صحیفه

علامه طهرانی نام بردن از محقق علیم و حکیم خبیر سید علیخان کبیر (شارح صحیفه سجادیه) (سید علیخان مدنی شیرازی از اعلام علماء تشیع و مفاخر شیعه است و کمتر کسی به جامعیت وی یافت می‌شود. وی از نوادگان حضرت سید محمد پسر حضرت زیدشید می‌باشد. ترجمه احوال او در بسیاری از کتب آمده است.) ترجمه گفتار وی در کتاب #171؛ ریاض السالکین؛ در معرفی صحیفه کامله سجادیه را چنین می‌آورد: #171؛ بدانکه: تحقیقاً بر این صحیفه شریفه اثر بارزی است از علم الهی، و در آن رائحه و بوی عطری است از کلام نبوی. و چگونه این طور نباشد در حالی که آن شعله‌ای است از نور مشکاة رسالت و وزش هوای عطراگینی است از بوی جان پرور باغ‌های امامت تا به جائی که بعضی از عارفان درباره آن گفته‌اند: صحیفه سجادیّه در همان مجرای الهامات و وحیهای آسمانی، و در همان منهج و مسیر صحیفه‌هائی است که به صورت لوح از عرش حضرت باری نازل می‌شده است، به جهت آنکه مطالبی که در آن مندرج می‌باشد مشتمل است بر أنوار حقایق معرفت، و میوه‌های شیرین باغ‌ها و بستان‌های حکمت. و علماء أخیار، و صرافان و ناقدان قدما از پیشینیان اهل صلاح به آن لقب زبور آل محمد داده و انجیل اهل بیت می‌گفته‌اند.

شیخ جلیل و بزرگوار محمد بن علی بن شهر آشوب در #171؛ معالم العلماء؛ در ترجمه احوال متوکل بن عُمیر ذکر کرده است که: وی دعای صحیفه را که ملقب به زبور آل محمد است، از یحیی بن زید بن علی بن علی علیه السلام روایت نموده است.

و اما بلاغت بیان و برتری گفتار صحیفه به حدّی است که: سخنوران ساحر و فصیحان و ادیبان سحرانگیز باید در برابر آن به سجده درآیند، و سران و سروران دانشمند از آوردن مثل آن به عجز و ناتوانی معترفند و اقرار نمایند که: نبوّت غیر از کهنات می‌باشد؛ و حقّ و باطل در یک مرتبه و یکسان نمی‌باشند. و کسی که بخواهد در اطراف و جوانب آسمان بلند و درخشان آن گردشی کند و چرخ‌های بزنند با فکر ظلمانی و اندیشه تاریک خود که داخل در کسوف جهل و خسوف نادانی فرو رفته است، با تیرهای خذلان و سهام نکبت و سرافکن‌گی روبرو شده، ستارگان نورانی و متحرک آسمان علم و شهاب ثاقب درایت و معرفت او را با تیر هلاکت هدف گرفته، محو و نابود می‌گردانند.

ابن شهر آشوب در کتاب #171؛ مناقب آل ابی طالب؛ حکایت نموده است که: چون نزد بعضی بلغاء بصره سخن از صحیفه کامله به میان آمد، گفت: اینک بگیرید از من که من مثل آن را برای شما املاء و انشاء می‌کنم. وی قلم را به دست گرفت و سرش را پائین آورد که بنویسد؛ دیگر نتوانست سرش را بلند کند تا اینکه بمرد. و به جان خود قسم، او در گفتارش افراط نمود و از حقّ بدور افتاد پس سخط الهی به وی رسید. #171؛

علامه طهرانی از محدّث قمی نقل کرده است که به صحیفه لقب انجیل اهل بیت و زبور آل محمد را داده‌اند و به آن احث القرآن گفته می‌شود و ایشان از سید محمد بن علی بن حیدر موسوی در کتاب #171؛ تنبیه و سنّ العین؛ آورده که زیدیه و امامیه آن را از رجالشان روایت نموده‌اند.

علامه طهرانی سپس از معالم العلماء نقل می‌کند که اولین کسی که تصنیف نمود در اسلام، امیر المؤمنین علیه السلام بود که کتاب الله جلّ جلاله را جمع نمود، پس از وی سلمان فارسی رضی الله عنه، و سپس ابوذر غفاری رحمه الله بعداً اصْبَغ بن بُنّاته، و پس از او عبید الله بن ابی رافع، و سپس #171؛ صحیفه کامله؛ از زین العابدین علیه السلام بوده است.

لزوم انس با صحیفه سجادیه

این استاد وارسته در لزوم انس با صحیفه سجادیه و کتب معصومین علیهم السلام خاطرنشان می‌کند: باری قرائت و تلاوت و ممارست و مزاولت بر ادعیه کامله صحیفه سجادیّه در میان علماء اعلام و سابقین که علم را با عمل و تخشّع و ابتهال و تجتّب از هوای نفس امّاره توأم نموده بودند، امری معلوم و معروف بوده است؛ و در میان حکماء وفلاسفه ذوی مقدار و عرفاء عالمیقام اسلام امری ضروری و لازم به شمار می‌آمده است به طوری که ملازم بودن با صحیفه را همانند قرآن عظیم، و حفظ ادعیه آن را همانند حفظ سور و آیات کتاب الهی از فرائض و واجبات خود می‌شمرده‌اند؛ و اکتفا به خواندن دعا‌های سطحی و روزمره طبق عادت نمی‌نمودند؛ و ادعیه مولانا امیر المؤمنی (ع) را که دارای صبغه خاصی از توحید و عظمت و ابّهت بوده است چنانکه از صحیفه سماه‌جی، و صحیفه ثانیه نوری پیداست، شعار و دثار خود کرده بودند و با خواندن و مداومت بر صحیفه سجادیه، راه راز و نیاز و ابتهال را به درون خود کشانده، و سر و سِرّی با حضرت ربّ و دود پیدا می‌نموده‌اند؛ و زنگار نفس امّاره و خبیثه و متوجّه به عالم کثرت و تعیّات اعتباریه را با آن می‌زدوده‌اند و بالأخره مردمی روشن ضمیر و پاکدل و دور از هوای نفس و یا عاری از آن بار می‌آمده‌اند. و چنین افرادی از اعلام علماء

بالله و حکماء و عرفاء ستوده و وارسته و از نفس برون جسته و به خدا پیوسته، نه تنها خودشان را منور می‌کرده‌اند، بلکه تا شعاع وسیعی عالم بشریت را به طهارت و نزاهت و قداست سوق می‌داده‌اند.

خواب مجلسی اول (ره) درباره صحیفه

ایشان چنین ادامه می‌دهد: در اینجا به نظر رسید حکایتی از جدّ اعلای مادر پدری خود: محدّث عظیم، و سالک وارسته، و اخلاقی کبیر مرحوم مجلسی اوّل- رضوان الله علیه- آورده شود، تا جانها از آن سبک و منهاج معطر گردد؛ و با مزاولت و تدبّر و تفکر در صحیفه امام السّاجدین قبل از نزول در گور، به فکر خودشان بیفتند، و در فکر علاج و چاره‌ای برآیند! و گرنه سوگند به خدا و مقام عزّت و جلال او که با این درسهای متعارف و معمول حوزوی بدون بررسی و محاسبه نفس و طّی طریق و منهاج اولیای راستین که صحیفه سجّادیه را نصب العین قرار داده و با آن روح خود را صیقل و جلا زده‌اند، کار از پیش نمی‌رود و نه خود و نه دیگران تمتّع و بهره‌ای نخواهند یافت.

ایشان حکایت را طبق عین نوشته مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد علی مدرسی چهاردهی رشتی در مقدّمه شرح صحیفه خود نقل می‌کند که: مرحوم مجلسی می‌فرماید که: در اوائل سنّ خود مایل بودم که نماز شب بخوانم، لکن قضاء بر ذمه من بود، به واسطه آن احتیاط می‌کردم. خدمت شیخ بهائی [استاد خود] عرض نمودم، فرمودند: وقت سحر نماز قضاء بخوان سیزده رکعت. لکن در نفسم چیزی بود که نافله خصوصیت دارد. فریضه چیز دیگری است.

شبی از شبها بالای سطح خانه خود بین نوم و یقظه بودم، حضرت قبله البرّیه امام المسلمین حجّة الله علی العالمین [حجت ابن الحسن] عجل الله فرجه و سهّل مخرجه را دیدم در بازار خربزه فروشان اصفهان در جنب مسجد جامع. با کمال شوق و شغف خدمت سراسر شرافت آن بزرگوار عالیقدر- علیه الصلوٰة و السلام- رسیدم، و از مسائلی سؤال نمودم که از جمله آن مسائل خواندن نماز شب بود که سؤال نمودم فرمودند: بخوان! بعد عرض نمودم: یا بن رسول الله (ص) همیشه دستم به شما نمی‌رسد! کتابی به من بدهید که بر آن عمل نمایم! فرمودند: برو از آقا محمد تاجا کتاب بگیر! گویا من می‌شناختم او را.

رفتم و کتاب را از او گرفتم، و مشغول به خواندن آن بودم و می‌گریستم. یک دفعه از خواب بیدار شدم، دیدم در بالای سطح خانه خود هستم. کمال حزن و غصّه بر من روی داد. در ذهنم گذشت که: محمد تاجا همان شیخ بهائی اس. و تاج هم از بابت ریاست شریعت است، چون صبح شد وضو گرفتم و نماز صبح خواندم. خدمت ایشان رفتم. دیدم شیخ در مدرّس خود با سیّد ذوالفقار علی جرّفادقانی (گلپایگانی) مشغول به مقابله صحیفه است. بعد از فراغ از مقابله، کیفیت حال را عرض نمودم.

فرمودند: انشاء الله به آن مطلبی که قصد دارید خواهید رسید. از اینکه مرا متهم به بعضی از چیزها می‌دانست [آخوند ملا محمد تقی مجلسی متهم به تصوّف بود. (منه) این تعلیقه از مرحوم شارح مدرّسی می‌باشد.] خوشم نیامد از این تعبیر.

آنکه محلّی که حضرت- علیه الصلوٰة و السلام- را در آنجا دیدم بود، از باب شوق خود را بدانجا رسانیدم؛ در آنجا ملاقات نمودم آقا حسن تاجا را که می‌شناختم. مرا که دید گفت: مثلاً محمد تقی! من از دست طلبه‌ها در تنگ هستم. کتاب از من می‌گیرند پس نمی‌دهند. بیا برویم در خانه بعضی از کتب که موقوفه مرحوم آقا قدیر هست، به تو بدهم! مرا برد. در آنجا بر در اطاق، در را باز نمود، گفت: هر کتابی که می‌خواهی بردار.

دست زدم و کتابی برداشتم. نظر نمودم دیدم کتابی است که حضرت حجّة الله روحی فداه دیشب به من مرحمت فرموده بودند. دیدم که صحیفه سجّادیه است مشغول شدم به گریه و برخاستم. گفت: دیگر بردار! گفتم: همین کتاب کفایت می‌کند. پس شروع نمودم در تصحیح و مقابله و تعلیم مردم. و چنان شد که از برکت کتاب مذکور، غالب اهل اصفهان مستجاب الدعوة شدند. مرحوم مغفور مجلسی ثانی می‌فرماید: که چهل سال در صدد ترویج صحیفه شد. و انتشار این کتاب به واسطه آن مرحوم شد که الآن خانه‌ای نیست که صحیفه در آن نباشد.

تواتر صحیفه کامله سجّادیه

علامه طهرانی تاکید می‌کند: صحیفه کامله سجّادیه از متواترات می‌باشد؛ و مانند نسبت کتاب «کافی؛ به کلینی، و «تهذیب؛ به شیخ طوسی، که از متواترات است و در آن محلّ شبهه و تردید نیست، نسبت این صحیفه الهیه به حضرت امام سیّد السّاجدین زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن اُبی طالب- علیهم أفضل الصلوٰة و اکمل التّحیه و السلام- چنین است.

علماء أعلام و محدّثین عظام ما از زمان حضرت باقر علیه السلام تا به حال آن را یداً بیّد و لساناً عن لسان و کتاباً عن کتاب روایت

نموده‌اند؛ و در هر دوره و زمان تواتر داشته است، و همان طور که خواهیم دید نسبت جهالت یا ضعف به بعضی از راویان آن که در مفتتح صحیفه مکتوبه و مطبوعه‌های فعلی وارد است اُبداً ضرری بدان نمی‌رساند. چرا که این سند مانند ضَمَّ الحَجَر علی جنب الانسان است که بدون آن هم انسائیّتش کامل، و با وجود آن هم چیزی بر آن افزوده نمی‌گردد. جائی که اُدعیه صحیفه از زمان معصوم تا به حال به تواتر متصل و منسجم بوده باشد، لو فرض که این سند هم در میان نبود، نبود.